

بایسته‌های عدالتخواهی طلبگی، در نظام امت و امامت

در این جلسه می‌خواهیم عدالتخواهی در نظام امت و امامت را به لحاظ فرم و محتوا در اندیشه یک اندیشمند انقلاب اسلامی، یعنی رهبر معظم انقلاب، بررسی کنیم.

پس از قانون ببینیم. عدالت را در سلسله علل قوانین و مسیطر بر آنها تعریف نکنیم. حال آنکه باید قوانین را با عدالت بسنجیم.

ممکن است اشکالی مطرح بشود که ما در میدان عدالتخواهی امروز، امثال مطهری و بهشتی را نداریم و لذا در این عدالتخواهی (که مقیاس فهم دین و مسیطر بر قوانین باشد) افرادی از میدان انقلاب خارج می‌شوند! در پاسخ باید گفت که اولاً هم باید شرایط ورود امثال بهشتی و مطهری را فراهم کرد و ثانیاً آسیب اشعری‌گری به مراتب بیشتر است.

صوت این بخش:

[دریافت قسمت نخست «عدالتخواهی در نظام](#)

[ولایت» | «دریافت از پیوند کمکی»](#)

پیرامون فرم عدالتخواهی:

سوال محوری: نسبت یک جنبش عدالتخواه با نظام سیاسی موجود چیست؟

پاسخ اجمالی: باید درون نظام امت و امامت و ناظر بر نظم سیاسی و دیوان‌سالاری برای ارزش‌های انقلاب فعالیت کنیم.

نظریه نظام انقلابی:

«تهضت و نظام» یا «انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی» یا «هویت حقیقی و ساخت حقوقی»، اینها دوگانه‌هایی هستند که نباید از هم جدا شوند. ساخت حقوقی (یا نظام یا جمهوری اسلامی) به مانند جسم و هویت حقیقی

پیرامون محتوای عدالتخواهی:

یک: عدم تنزل از عدالتخواهی الهیاتی به

عدالتخواهی حقوقی

باید هر چه مخالف با توحید و اسلام است، ولو اینکه قانون شده باشد، کنار گذاشته شود. عدالتخواهی حقوقی خودش را ذیل قوانین موجود ترسیم میکند و پسا قانون مطالبه‌گری می‌کند؛ بر همین اساس مفسدان برای خودشان زمینه‌ی قانونی را فراهم می‌کنند. عدالت در عدالتخواهی الهیاتی بر قانون چتر می‌اندازد و مسیطر بر آن است.

آسیب چنین تنزلی شکل‌گیری رگه‌های مرجئه‌گری

است. مرجئه قائل بود که با ولایت حضرت علی علیه السلام، بهشت تضمین است و عمل اشخاص مهم نیست. رگه‌های مرجئه‌گری امروز، نسبت نظام و ولی‌فقیه را در این پازل تعریف می‌کند. یعنی عیوب دستگاه حاکمیت را چون ذیل ولی الهی هست، نادیده می‌گیرد. در حالیکه طبق روایات در نظام ولایت، اگرچه گناه توده‌های مردم راحت‌تر آمرزیده می‌شود اما عذاب افراد موجود در دستگاه حاکمیت دوچندان است. یعنی منسوبان و منسوبان ولی الهی در صورت لغزش، عذابی مضاعف خواهند داشت.

دو: عدم تنزل از عدالتخواهی به

مطالبه‌گری!

طبق بیان شهید مطهری، عدالت مقیاس برداشت از دین است. یعنی عدالت در سلسله طولی احکام باید دیده شود.

آسیب این تنزل هم ایجاد رگه‌های اشعری‌گری

است. حالت اشعری‌گری به این صورت است که عدالتخواهی را

خاتمه

لوازم فرم و محتوای عدالتخواهی

مطلوب:

(یا نهضت یا انقلاب) به مثابه روح آن جسم است. نهضت و انقلاب و ولایت فقیه و هویت حقیقی و ... آرمان‌های ما هستند اما شخص ولی فقیه و بیت و قانون و مسئولین و ... جزء نظام و جمهوری اسلامی و ساخت حقوقی هستند. اینها آرمان ما نیستند. جسمی هستند که باید از آن روح جدا نشوند. باید مدام رصد و نقد شوند. لذا خبرگان بر رهبری نظارت دارند.

در نسبتی که میان نهضت و نظام برقرار است ممکن است چندگونه تحلیل شکل بگیرد:

اول؛ اینکه بین انقلاب و جمهوری اسلامی چنان فاصله‌ای احساس کنیم که گویی این دو به تضاد رسیده‌اند، در این صورت اپوزوسیون می‌شویم. اما حضرت آقا معتقدند چنین تضادی شکل نگرفته است.

دوم؛ انقلاب و نظام را یک چیز ببینیم. در این صورت محافظه‌کار می‌شویم. حضرت آقا این نگاه را قتلگاه انقلاب می‌داند.

سوم؛ انقلاب و نظام را مثل روح و بدن ببینیم. باید طبیعیانه از هر دو محافظت کرده و به تعالی هر دو کمک کنیم. حرکت از وضع موجود به سوی آرمان‌ها به نحو کون و فساد نیست، نیاز به انقلاب در انقلاب نداریم، بلکه تحقق این امر به نحو صور متبدله‌ی صدر است و به نظر ما عدالتخواهی صحیح هم همین است.

نتیجه اینکه باید از درون نظام امام و امت و ناظر بر دیوان‌سالاری موجود فعالیت کرد و ذیل این حرکت نظام انقلابی را زنده نگهداشت.

صوت این بخش:

دریافت قسمت دوم «عدالتخواهی در نظام ولایت»

«دریافت از پیوند کمکی»

۱. پذیرفتن ولی فقیه عادل بعنوان مدیر انقلاب و رابطه عمیق با او.

حد افراط این لازمه: سریان ولایت به همه افراد منصوب و منصوب‌منسوب و... . باید توجه داشته که منصوبین رهبری و کلای ایشان هستند و اساسا ولایت قابل واگذار نیست.

حد تفریط این لازمه: نپذیرفتن ولی مشروع، حتی در حد مدیر انقلاب

۲. رابطه ما با ولی جامعه، در حوزه عمل، فکر و اندیشه، رابطه مستبصر و عالم است.

باب مباحثه در حوزه مباحث مختلف باز است اما دشمن تلقی دشمنی و عناد نمی‌کند!

مادامی که او را عادل میدانیم حق تخطی و مخالفت عملی نداریم، اما این به معنای تعطیل اندیشه نیست.

آقا پس از گام دوم گفتند که تجاوب کنید، اما عمدتا به تعریف و تمجید گذشت.

۳. نماینده‌گی تعیینی از ولایت (بدون

تضاد با نمایندگی تعیینی): کل

جنبش نماینده تعیینی از ولایت به حساب می‌آید و باید بیاید.

نمایندگان تعیینی به واسطه اتصال شدید اندیشه‌ای به ولی جامعه، خود به خود (و بدون انتصاب رسمی) تبدیل به نمایندگان او می‌شوند و این نوع از نمایندگی، امروز مورد نیاز ما بوده و بسیار راه گشاست.

با تشکر از بسیج مدرسه علمیه مشکوه (جنبش علم)